



از لحاظ شاخص رشد **بی‌رویه نقدینگی** در دولت‌های پس از انقلاب:

# پزشکیان اول شد رئییسی آخر

تاکنون ناکارآمدترین دولت پس از انقلاب در مهار رشد بی‌رویه نقدینگی، دولت مسعود پزشکیان بوده است

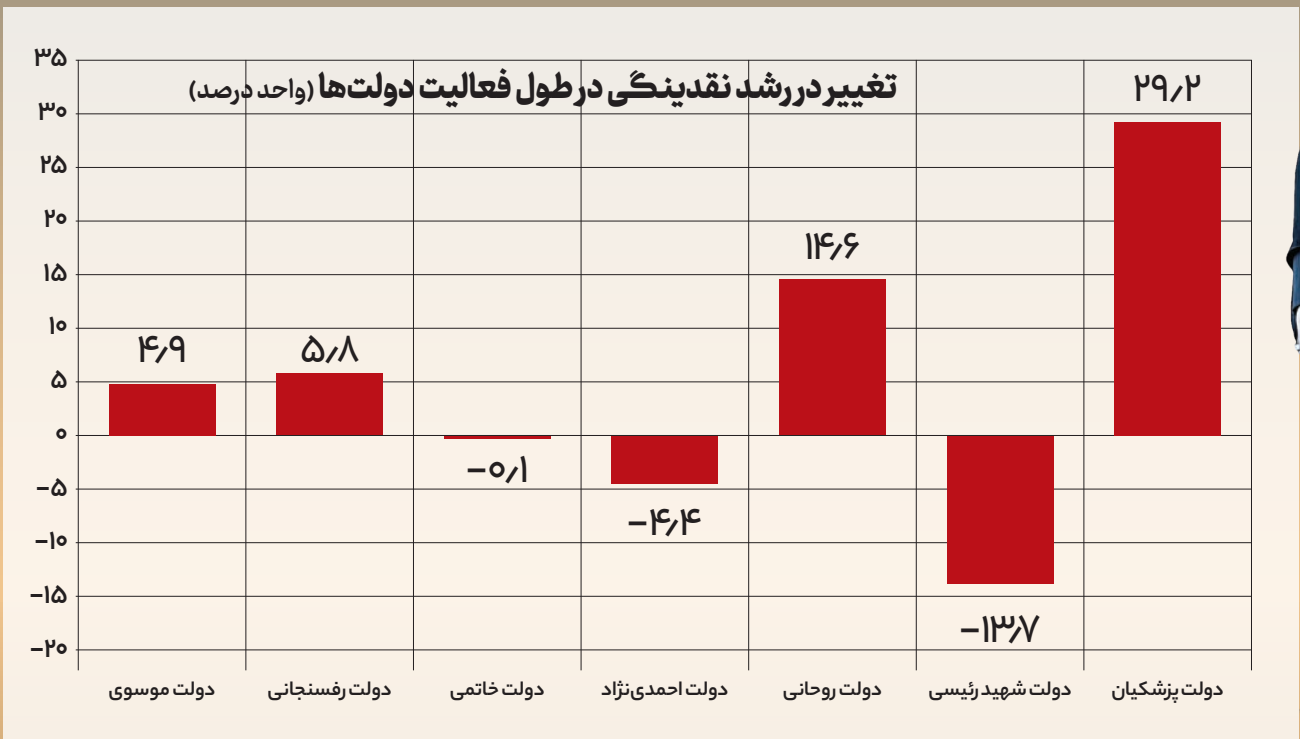


روحانی است. در ابتدای دولت روحانی رشد نقدینگی ۲۵٫۹ درصد بود اما در پایان آن دولت به ۴۰٫۵ درصد افزایش یافت و بیش از ۱٫۵ برابر شد. طبق این جدول، کمترین رشد نقدینگی در دولت شهید رئیسی رخ داد چراکه در ابتدای آن دولت رشد نقدینگی ۴۰٫۵ درصد بود که توانست آن را تا پایان دوره به ۲۶٫۸ درصد کاهش دهد.

دولت پزشکیان طبق آخرین آمار بیش از ۲ برابر شده است. افزایش نقدینگی از عوامل ریشه‌ای تورم و گرانی در اقتصاد محسوب می‌شود و به دلیل ۲ برابر شدن رشد نقدینگی در دولت پزشکیان شاهد هستیم که نرخ تورم هم به بالاترین رقم ۸۲ سال اخیر رسیده است. رتبه دوم دولت‌ها در رشد نقدینگی هم مربوط به حسن

مقایسه رشد نقدینگی در طول فعالیت دولت‌های پس از انقلاب نشان می‌دهد بیشترین افزایش نقدینگی در دولت مسعود پزشکیان رخ داده است. در ابتدای دولت پزشکیان رشد نقدینگی ۲۶٫۸ درصد بود اما در خرداد امسال به ۵۶ درصد افزایش یافته و در واقع ۲۹٫۲ واحد درصد رشد نقدینگی زیادتر شده است. به عبارت دیگر رشد نقدینگی در

موفق‌ترین دولت پس از انقلاب در مهار رشد بی‌رویه نقدینگی، دولت سیزدهم بود



| رشد سالانه نقدینگی | اول دولت | پایان دولت | تغییر در رشد نقدینگی |
|--------------------|----------|------------|----------------------|
| موسوی              | ۱۹٫۷     | ۲۴٫۶       | ۴٫۹                  |
| رفسنجانی           | ۲۴٫۶     | ۳۰٫۴       | ۵٫۸                  |
| خاتمی              | ۳۰٫۴     | ۳۰٫۳       | -۰٫۱                 |
| احمدی‌نژاد         | ۳۰٫۳     | ۲۵٫۹       | -۴٫۴                 |
| روحانی             | ۲۵٫۹     | ۴۰٫۵       | ۱۴٫۶                 |
| رئییسی             | ۴۰٫۵     | ۲۶٫۸       | -۱۳٫۷                |
| پزشکیان            | ۲۶٫۸     | ۵۶         | ۲۹٫۲                 |

| رتبه | دولت       | تغییر در رشد نقدینگی |
|------|------------|----------------------|
| ۱    | پزشکیان    | ۲۹٫۲                 |
| ۲    | روحانی     | ۱۴٫۶                 |
| ۳    | رفسنجانی   | ۵٫۸                  |
| ۴    | موسوی      | ۴٫۹                  |
| ۵    | خاتمی      | -۰٫۱                 |
| ۶    | احمدی‌نژاد | -۴٫۴                 |
| ۷    | رئییسی     | -۱۳٫۷                |



## تقدیر پزشکیان از عامل دلار ۲۰۰ هزار تومانی

این دوشاخ تورم‌زاد در اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر است. رشد اقتصادی کشور نیز از زمان بازگشت همتی به بانک مرکزی منفی شده و استقراض دولت از بانک مرکزی به اوج خود رسیده است. در واقع همه شاخص‌هایی که بانک مرکزی مسئولیت کنترل آنها را برعهده دارد در دوره ۸ ماهه ریاست همتی به وخیم‌ترین وضعیت خود در دوره پس از انقلاب سقوط کرده است. با این کارنامه سیاه، تقدیر پزشکیان از همتی به خوبی نشان می‌دهد که چرا دولت چهاردهم از واقعیات اقتصادی و معیشت مردم بی‌خبر است.

نرخ تورم کالاها (مواد غذایی) به علت سیاست نادرست حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی با فرماندهی همتی به ۱۳۰ درصد افزایش یافته که شدیدترین تورم غذا در ایران در دوران پس از انقلاب است. این رقم برای ۳ دهک کم‌درآمد جامعه نزدیک به ۱۵۰ درصد شده است. همچنین در دوره مدیریت همتی، نرخ تورم سالانه کشور به ۶۴ درصد رسیده که شدیدترین تورم در اقتصاد ایران از سال ۱۳۲۲ تاکنون محسوب می‌شود. در دوره مدیریت همتی نرخ رشد نقدینگی به ۵۶ درصد و رشد پایه پولی به ۶۱٫۵ درصد رسیده که بالاترین نرخ

روز گذشته مسعود پزشکیان با اهدای لوح تقدیر به عبدالناصر همتی از وی تقدیر کرد. این در حالی است که در دوره ریاست همتی بر بانک مرکزی، تورم در کشور به بالاترین سطح ۸۲ سال اخیر رسیده و نرخ ارز هم از ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده است. این تقدیر در حالی انجام شده که قطعاً همتی ضعیف‌ترین رئیس تاریخ بانک مرکزی در ایران است. از زمان حضور همتی در بانک مرکزی تاکنون قیمت دلار از ۱۳۵ هزار تومان به بیش از ۲۰۰ هزار تومان افزایش یافته است و تضعیف ارزش پول ملی به بدترین وضعیت خود رسیده است.





## سقوط سنگین دستمزد واقعی کارگران

در یک بازه زمانی ده ساله، پایه مزد کارگران مشمول قانون کار یا همان «دستمزد واقعی طبقه کارگر» از ۳۳۲ دلار به ۸۳ دلار تنزل یافته است؛ یعنی

دستمزد واقعی کارگران ده سال پیش ۲.۷ برابر امروز بوده است.

به گزارش ایلنا، در سال‌های اخیر به‌طور مشخص در ماه‌های اخیر پس از جنگ، «دستمزد واقعی کارگران» آن‌چنان سقوط کرده که در قیاس با معیارهای جهانی، به مرز صفر نزدیک شده است؛ در استانداردهای جهانی، دستمزد روزانه زیر ۱۰ دلار به معنای فقر مطلق است و اصولاً تشک‌ها و نهادهای بین‌المللی از جمله ITUC (کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری) کارگرانی را که دستمزد روزانه‌شان زیر ۵ دلار است، کارگران فقیر مطلق، یا کارگرانی می‌نامند که در آستانهٔ فقر و گرسنگی قرار دارند.

به این ترتیب، براساس تعاریف رسمی، کارگرانی که حقوق ماهانه‌شان در محدوده ۱۰۰ دلار است، کارگران «فقیر مطلق» و در معرض گرسنگی هستند.

امروز بخش اعظم کارگران ایرانی در همین گروه قرار دارند.

**پایه مزد فقط ۸۳ دلار است**

تا دوم شهریورماه، قیمت دلار در بازار ایران به مرز ۲۰۰ دلار رسیده است؛ امسال حداقل دستمزد کارگران متأهل با یک فرزند، با احتساب همهٔ مزایا، ۲۴ میلیون ۹۰۰ هزار تومان است که فقط ۱۲۴ دلار است. پایه مزد کارگران در سال جاری، ۱۶ میلیون و ۶۱۵ هزار تومان تعیین شده است که با نرخ دلار امروز ۸۳ دلار است. پایه مزد کارگران ایرانی در حالی به ۸۳ دلار تنزل یافته است که براساس گزارش‌های جهانی، مزدبگیران ایران با دستمزد متوسط ۸۵ دلار، در بین کشورهایی که کمترین دستمزد را دریافت می‌کنند، رتبه سوم را به خود اختصاص داده‌اند. این سقوط، یک سقوط با شیب تند و بسیاری بی‌سابقه است؛ از یک طرف، علیرغم نرخ رسمی ۴۲ میلیون تومانی سبد معیشت در اسفند ۱۴۰۴، نمایندگان شرکای اجتماعی در نهادهی به نام شورای عالی کار که زیراستیلای دولت و کارفرمایان قرار دارد و به‌طور مداوم و سیستماتیک، دستمزد کارگران را سرکوب می‌کند، پایه مزد فقط ۱۶ میلیون و ۶۱۵ هزار تومان تعیین شد که دریافتی کارگران مجرد را به کمی بیش از ۲۱ میلیون و کارگران متأهل و صاحب یک فرزند را به ۲۴ میلیون تومان رساند؛ از سوی دیگر، پس از جنگ و بحران‌های اخیر، نرخ دلار بی‌محابا افزایش یافت و در عرض چند ماه، به رقم عجیب و بی‌سابقهٔ ۲۰۰ هزار تومان رسید. از آنجا که بسیاری از کالاهای مصرفی ارزادانی هستند یا مواد اولیه‌شان با نرخ دلار وارد می‌شوند و همچنین افزایش قیمت دلار، تأثیرات اساسی و گسترش‌یابنده روی قیمت تقریباً تمام کالاهای و خدمات دارد، «دستمزد واقعی کارگران» که براساس قدرت خرید سنجیده می‌شود، به کمترین میزان در دهه‌های اخیر سقوط کرده است؛ بسیاری از کارگران و بازنشستگان ایرانی با دستمزد کمتر از ۱۰ دلار یا در همین حدود زندگی می‌کنند.

و این در حالی است که در کشورهای مترقی و مرفه، حداقل دستمزد نیروی کار، در محدودهٔ چند هزار دلار است؛ براساس رتبه‌بندی منتشرشده از سوی Visual Capitalist و بانک‌ها داده‌های سازمان بین‌المللی کار لوکزامبورگ از نظرمیانگین حقوق ناخالص ماهانه تعدیل شده یا قدرت خرید در رتبه نخست قرار گرفته است. در این رتبه‌بندی، میانگین قدرت خرید حقوق ماهانه در لوکزامبورگ حدود ۳۰۲ دلار برآورد شده است. پس از لوکزامبورگ، بلژیک با حدود ۸.۲۹۷ دلار و هلند با حدود ۷.۲۳۴ دلار در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

**مسیر سقوط دس‌ساله**

برای ترسیم عینی تر مسیر سقوط دستمزد واقعی کارگران، یک بازه ده‌ساله در نظرمی گیریم؛ پایه مزد کارگران در سال جاری، ۱۶ میلیون و ۶۱۵ هزار تومان تعیین شده است که فقط ۸۳ دلار است.

در شهریور ۱۴۰۰، پایه مزد کارگران ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومان بود؛ آن زمان قیمت دلار آمریکا، در محدوده ۲۶ هزار و ۸۰۰ تومان بود؛ بنابراین پنج سال پیشتر، پایه مزد کارگران حدود ۹۹ دلار قدرت خرید داشت.

در سال ۱۳۹۵، قیمت دلار حدود ۳ هزار و ۵۰۰ تومان بود؛ در آن زمان، پایه مزد کارگران نیز ۸۱۳ هزار و ۱۶۴ تومان بود؛ بنابراین ده سال پیش از این، پایه مزد کارگران ۲۳۲ دلار بود.

درواقع در یک بازه زمانی ده ساله، پایه مزد کارگران مشمول قانون کار یا همان «دستمزد واقعی طبقه کارگر» از ۳۳۲ دلار به ۸۳ دلار تنزل یافته است؛ یعنی دستمزد واقعی کارگران، ده سال پیش ۲.۷ برابر امروز بوده است.

نمود سقوط عینی اینکه کارگران و بازنشستگان رنگ گوشت را در سفره نمی بینند ده سال اخیر از ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۵، دوران اوج آزادسازی، شوک‌های اقتصادی و تحریم‌های پیاپی سخت بوده که به جنگ و بحران انجامیده؛ در همین بازه زمانی، یک درصدی‌ها از تراستی‌ها گرفته تا لالان از و بودجه‌خوران سودهای اندک خود خندند و ابرمیلیاردر شدند اما طبقه کارگر به شیوه‌ای بی‌سابقه در چاه فقر سقوط کرد و قدرت خریدش فقط در عرض ده سال، ۲۷۰ درصد سقوط کرد. مسئول این سقوط بی‌قاعده و بدون سابقه چیست؟

**سقوط سنگین «دستمزد واقعی کارگران» فقط در ده سال / پایه مزد از ۳۳۲ دلار به ۸۳ دلار رسید!**

«یدالله فرجی» فعال صنفی بازنشستگان و رئیس اسبق شورای اسلامی کار شرکت جنرال استیل، مسیر ده‌سالهٔ اخیر را دردناک توصیف می‌کند و در این رابطه می‌گوید: کارگران حتی کارگران متخصص، در این ده سال، بی‌سابقه سقوط کردند؛ طبقهٔ اقتصادی بسیاری از خانواده‌های کارگری از «تقریباً متوسط» به «فقیر» و سپس «فقیرمطلق» تبدیل شد و به تدریج در گرداب ناتوانی معیشتی فرو رفتند؛ نمود عینی آن، سفره‌های خانواده‌های کارگری است؛ ما ده سال قبل، ماهی چند کیلو گوشت قرمز می‌خریدیم، حالا اما ماه‌هاست که رنگ گوشت را در سفره ندیده‌ایم.

در چنین شرایطی که کارگران حداقل بگیر ایرانی در محدودهٔ «فقیرمطلق» قرار گرفته‌اند و دستمزد ماهانه‌شان کمتر از ۱۰ دلار است، برای اجتناب از گسستگی خانوادگی و اجتماعی و بحران جمعی گسترده، بایستی «تومیم مزه» و بهبود معیشت طبقهٔ کارگر در دستور کار قرار بگیرد. سؤال این است «اگر مزه ترمیم نشود، طبقهٔ کارگر ایرانی چگونه باید تاب‌آوری داشته باشد؟، چطور بار هزینه‌های سنگین را بر دوش بکشد و از چاه‌های، درماندگی کند که فقط نان خالی در سفره داشته باشد».

اما یک پرسش بنیادین هم قابل طرح است: مسئولیت زندگی‌های به کام فقر فروفته، بر عهده کیست؟ آیا کارگران زحمتکش ایرانی، مستحق دستمزد کمتر از ۱۰۰ دلار و زندگی در فقر مطلق هستند؛ چرا یک باز شستهٔ بیمار و خانه‌نشین، بعد از سی سال تلاش صادقانه و شرافتمندانه، ماه‌ها رنگ گوشت را در سفره نمی‌بیند؟



## راهکارهای کاهش اثر تحریم؛

# از بازارهای مرزی تا زیرساخت‌های مالی غیرآمریکایی

## گزارش

یک کارشناس اقتصادی با اشاره به تصمیم وزارت خزانه‌داری آمریکا برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران گفت: کاهش اثر تحریم‌ها با توسعه بازارهای مرزی و زیرساخت‌های مالی غیرآمریکایی امکان‌پذیر است.

در پی شکست واشنگتن در میدان جنگ نظامی علیه ایران، اسکا‌ت بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا دوم شهریور با تکرار لفاظی‌هایی که نشان‌دهنده هویت تجا‌وزگانه این کشور است، ادعا کرد که از امروز به دستور رئیس جمهور ترامپ ما عملیات طرد اقتصادی را علیه ایران آغاز کردیم؛ این یک کارزار بی‌سابقه است که ایران و کسانی را که آن را توانمند و حمایت می‌کنند، هدف قرار می‌دهد. طرح این ادعا در حالی صورت گرفته که واشنگتن دهه‌هاست رویکرد خصمانه فشار اقتصادی و تحریم‌ها علیه ملت ایران را در پیش گرفته است و انواع تحریم‌های اقتصادی به بهانه‌ها و عناوین مختلف علیه بخش‌های مختلف اقتصادی ایران اعم از بانک و بیمه، انرژی و صنعت، ارتباطات و فناوری‌های ا‌عمال کرده است. در واکنشش به این اظهارات محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در حساب کاربری خود نوشت: آمریکایی‌ها می‌دانند که کسی گنده لافی‌های آن‌ها را باور نمی‌کند؛ آمریکا از لحاظ اقتصادی در شرایطی نیست که بخواهد روابط خود با دیگر کشورها را محدودتر از این کند. شرکای تجاری ایران هم در رسانه‌ها و هم با ارسال پیام به ما اعلام کرده‌اند که این اظهارات را به هیچ‌جا حساب نمی‌کنند.

همچنین سیدعلی مدنی زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد که ایران نه تنها از مدت‌ها پیش برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی آمریکا برنامه‌ریزی کرده، بلکه برنامه آ‌قندی در برابر این ترویرسم اقتصادی نیز طراحی کرده است که در زمان مناسب اجرایی خواهد شد؛ وی بر این نکته تأکید کرد که دوران جهان تک‌قطبی تمام‌شده است و آمریکائی‌ها نمی‌توانند شرایط مالی و اقتصادی ایران را قطع کنند.

مجید گودرزی کارشناس اقتصادی با تأکید بر اینکه مقابله با آثار محاصره اقتصادی و تحریم‌ها تنها به اقدامات خارجی محدود

نمی‌شود، گفت: دولت ظرفیت‌ها و ابزارهای متعددی برای کاهش فشارهای اقتصادی در اختیار دارد که فعال‌سازی بازارچه‌های مرزی، استفاده از ارزهای کشورهای همسایه، توسعه زیرساخت‌های مالی مستقل از شبکه‌های تحت نفوذ آمریکا و حمایت از تولید می‌تواند بخشی از این ظرفیت‌ها باشد.

وی با بیان اینکه کشور در ماه‌های اخیر و پس از تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران از زوایای مختلف از جمله نظامی، اقتصادی و تحریم‌ها تحت فشار قرار گرفته است، افزود: با وجود این تهدیدها و تحریم‌ها، دولت ابزارهای بسیار خوبی دارد که می‌تواند با استفاده از آنها اثر تحریم‌ها و فشارها را کاهش دهد. به هر حال منابع زیادی در دست دولت است و راهکارهای بسیار خوبی نیز در اختیار دارد.

گودرزی یادآور شد: از جمله اینکه به محض شروع جنگ، مرزها را برای ورود کالا به کشور باز کردند و دیدیم که همین یک تصمیم چه اثرات خوبی در مدیریت کشور داشت به‌طوری‌که نه تنها در فروشگاه‌ها کمبودی احساس نشد بلکه ذخیره‌سازی مناسبی در حوزه کالاهای اساسی صورت گرفت.

وی تأکید کرد: ما می‌توانیم به‌صورت تهاجمی اقدامات دیگری را نیز انجام دهیم و این امکان را داریم که به‌خصوص در حدود ۲۳ بازارچه مرزی خود، تبادلات و معاملات خود را با از کشورهای همسایه انجام دهیم.

**توسعه زیرساخت‌های مالی غیرآمریکایی اثر تحریم‌ها را کاهش می‌دهد** گودرزی با اشاره به اهمیت زیرساخت‌های مالی مستقل از شبکه‌های تحت نفوذ آمریکا گفت: زیرساخت‌های دیگری غیر از زیرساخت‌هایی که مربوط به آمریکایی‌هاست، اکنون در اختیار ایران و کشورهای مختلف قرار دارد. خوشبختانه آن بخشی که از تحریم‌های مالی بیشترین اثر را داشت، بعد از راه‌اندازی زیرساخت‌های غیرآمریکایی، از تحریم‌ها تا حد زیادی کاهش پیدا کرد.

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه اکنون بخش مسکن بیشترین سهم را در سبد هزینه‌های مردم دارد و بیشترین فشار اقتصادی را به خانواده‌ها وارد می‌کند، افزود: سهم مسکن بیش از ۷۰ درصد از سبد معیشت خانواده‌ها را شامل می‌شود آن هم در شرایطی

که دولت ظرفیت خوبی، به‌خصوص در بحث واگذاری زمین رایگان به مردم دارد. اگر این اتفاق بیفتد، هم سپرده‌های خرد و دارایی‌های خرد به سمت تولید مسکن هدایت می‌شود و هم بار مالی خانواده‌ها کاهش پیدا می‌کند. این اقدام می‌تواند کمک خیلی خوبی به خانواده‌هایی باشد که در شرایط تحریمی و افزایش قیمت‌ها تحت فشار قرار گرفته‌اند.

این کارشناس اقتصادی گفت: از طرف دیگر، صنعت ساختمان مان نیز با رونق مواجه می‌شود و حتماً این اقدام، با توجه به قوانین بالادستی و مجوزهایی که در اختیار دولت است، می‌تواند کمک شایانی به موضوع مهم هزینه‌های خانوارها کند.

**اجاره‌های نجومی تولید و توزیع را تحت فشار قرار داده است**

گودرزی در پاسخ به این پرسش که دولت برای جلوگیری از انتقال هزینه تحریم به تولیدکننده و مصرف‌کننده باید بر چه بخش‌هایی متمرکز شود، اظهار کرد: واقعیت این است که نظام توزیع کالا در کشور یکی از مشکلات اساسی است که بازار با آن روبروست و به عنوان واسطه بین تولید و مصرف قرار دارد. وی افزود: نظام توزیع و حتی تولید به‌ویژه در ماه‌های اخیر با اجاره‌های خودسرانه مواجه شده که زمینه‌ساز افزایش قیمت اجناس در سطح خرده‌فروشی‌ها شده است در حالی که هم تولید و هم مصرف را تحت فشار قرار داده است.

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه دولت اقدام خیلی خوبی در در اختیار ایران و کشورهای مختلف قرار دارد. خوشبختانه آن بخشی که از تحریم‌های مالی بیشترین اثر را داشت، بعد از راه‌اندازی زیرساخت‌های غیرآمریکایی، از تحریم‌ها تا حد حدودی دست‌کم گرفته شد که وقتی دستمزد‌ها با واقعیت‌های تورمی همسو نباشند، کارگر تا حدودی دست‌کم گرفته شد در حالی که می‌توانست کمک خیلی خوبی باشد، ادامه داد: تعیین اجاره‌بهای خارج از عرف هم موجب تعطیلی بسیاری از

کسب‌وکارها شده و هم بسیاری از تولیدکنندگان را تحت فشار قرار داده است.

گودرزی با اشاره به هزینه بالای جابه‌جایی واحدهای تولیدی اظهار کرد: به واسطه اینکه هزینه جابه‌جایی تولیدکننده بسیار بالاست، معمولاً اجاره‌هایی که در این بخش به تولید فشار می‌آورد، در سطح اقتصادی نیست. ما شاهد اجاره‌های نجومی هم در بخش تولید و هم در بخش توزیع هستیم؛ به نحوی که متأسفانه باعث رکود شدید در تولید ما و ایجاد ناتوانی در خرید برای مصرف‌کنندگان شده است.

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: من فکرمی‌کنم اگر ماده ۸ قانون بازار زمین و مسکن درباره اجاره عملیاتی شود، به‌طور حتم اتفاق خوبی می‌افتد و اگر قیمت‌ها به‌صورت منطقه‌ای تعیین شوند، با خودسری‌ها و قیمت‌های نجومی مقابله می‌شود.

**زنجره تأمین باید در شرایط بحران تقویت شود**

گودرزی در ادامه بر ضرورت تقویت زنجره تأمین تأکید کرد و گفت: از طرف دیگر، بحث زنجره تأمین نیز اهمیت دارد؛ به هر حال اگر یک کالا یا یک بخش آن با مشکل مواجه شود، کل تولید با بحران مواجه می‌شود. ما باید به سمت قراردادهای محکم برای تأمین در شرایط بحران برویم و اگر تأمین انجام نشد، خسارت‌هایی که به تولید وارد می‌شود جبران شود و این جبران خسارت‌ها از محل بیمه‌ها اتفاق بیفتد.

این کارشناس اقتصادی اظهار کرد: به هر حال شرایط جدید نیازمندان است که یک سری اقدامات تأمینی در نظر بگیریم؛ اقداماتی که ثبات‌آفرین باشد. قطعاً دولت می‌تواند به واسطه توانایی‌هایی که دارد و حتی با خرید تضمینی بعضی محصولات، کمک‌کند تا تولیدکنندگان ما بتوانند در شرایط بحرانی به فعالیت خود ادامه دهند.

**شبکه‌های مالی غیرآمریکایی در سال‌های اخیر تقویت شده‌اند**

گودرزی در پاسخ به این پرسش که برای مقابله با شبکه‌های مالی تحت نفوذ آمریکا چه باید کرد، گفت: خوشبختانه در سال‌های اخیر اتفاقات خوبی در حوزه مالی افتاده است، به‌خصوص از طرف چینی‌ها شاهد هستیم. چینی‌هایک سیستم سوئچ دارند که هزینه‌های بسیار کمی دارد و تراکنش‌ها نیز در آن خیلی سریع‌تر انجام می‌شود و خارج از اراده آمریکاست.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: به هر حال این شبکه مالی یک گلوگاه بسیار قوی برای تحت فشار قرار دادن کشورهایی بود که مطیع آمریکا نیستند.

وی با بیان اینکه ایران در دور اول تحریم‌ها یعنی اواخر دهه هشتاد آسیب زیادی از تحریم‌ها دید، اظهار داشت: در سال‌های اخیر شاهد آن هستیم که با راه‌اندازی زیرساخت‌های مالی غیرآمریکایی اعم از زیرساخت‌های روسی و چینی، شرایط به کلی تغییر پیدا کرده است.

وی تأکید کرد: ما باید هم از زیرساخت‌های مالی این کشورها استفاده کنیم و هم به سمت پیمان‌های منطقه‌ای برویم، به‌جای اینکه بخواهیم از پیمان‌های مربوط به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تبعیت و پیروی کنیم. من فکرمی‌کنم اتفاقی که در شانگهای در حال رخ دادن است،

اتفاق خیلی خوبی است. از طرف دیگر، جایگزین کردن طلا و فلزات گران‌بها و ارزهای معتبر دیگر مانند یوان می‌تواند کمک خیلی خوبی به کاهش وابستگی ما به دلار کند. این کارشناس اقتصادی گفت: این اتفاق به تدریج در حال رخ دادن است و تقریباً در همه دنیا نیز شاهد این روند هستیم. متأسفانه آمریکایی‌ها از ارز مرجع نهایت استفاده را کردند و دیدیم که کشورها مجبور شدند برای کنار گذاشتن دلار به سمت جایگزین‌هایی مانند طلا بروند. اکنون نیز می‌بینیم وضعیت بازار طلا به گونه‌ای است که کشورها حداکثر تلاش خود را می‌کنند تا از آسیب‌هایی که ممکن است در اثر کنار گذاشتن دلار به آنها وارد شود، جلوگیری کنند.

## فشار نامتعارف بر متقاضیان نهضت ملی مسکن

با وجود افزایش سقف وام نهضت ملی مسکن، متقاضیان تهرانی دوباره به واریز ۲۰۰ میلیون تومان فرارخوانده شدند.

متقاضیان نهضت ملی مسکن در استان تهران طی ماه‌های اخیر با درخواست‌های مکرر برای افزایش آورده مواجه شده‌اند؛ درخواست‌هایی که در آخرین مورد با مطالبه ۲۰۰ میلیون تومان دیگر ۲۰ شهریورماه همراه شده است. بررسی پیامک‌های ارسالی شهرداری استان تهران نشان می‌دهد روند درخواست افزایش آورده از خردادماه تاکنون ادامه داشته است. ۴۰ خرداد ۱۴۰۵ به‌متقاضیان اعلام شد برای حفظ رتبه در انتخاب واحد و استمرار پیشرفت پروژه، آورده خود را تا مبلغ یک میلیارد تومان تکمیل کنند. در همان پیامک تأکید شده بود که مبلغ مرحله جدید ۲۰۰ میلیون تومان است و مهلت پرداخت تا ۱۶ خردادماه تعیین شده بود. حدود سه ماه بعد در اول شهریورماه پیامک دیگری برای متقاضیان ارسال شد. این بار از آنها خواسته شد آورده خود را تا ۲۰ شهریور به یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان افزایش دهند. در این پیامک تأکید شد مبلغ این قسط آورده ۲۰۰ میلیون تومان است. اما تنها دو روز بعد یعنی در ۳ شهریورماه، اداره کار و رفاه شهرداری استان تهران پیامک اصلاحیه‌ای ارسال کرد و سقف آورده اعلام‌شده را به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان افزایش داد. به این ترتیب، متقاضیانی که در خردادماه با درخواست تکمیل آورده تا یک میلیارد تومان مواجه شده بودند، اکنون با درخواست افزایش این رقم به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان روبرو هستند. این درخواست‌ها در شرایطی مطرح شد که سقف تسهیلات نهضت ملی مسکن اخیراً از ۶۵۰ میلیون تومان به ۸۵۰ میلیون تومان افزایش یافته است؛ تصمیمی که انتظار می‌رفت بخشی از فشار تأمین منابع از محل آورده متقاضیان را کاهش دهد. بااین حال پیامک‌های جدید نشان می‌دهد افزایش سقف تسهیلات، الزاماً به کاهش درخواست‌ها و واریز از متقاضیان منجر نشده است. نکته مهم‌تر این است، که مبالغ اعلام‌شده در پیامک‌ها، آورده علی‌الحساب متقاضیان است و لزوماً به معنای اعلام سهم نهایی آنها از هزینه ساخت واحد نیست. از سوی دیگر در این پیامک‌ها رقم نهایی آورده مورد نیاز برای هرواحد مشخص نشده است.



و کارگران ناچارند در زمان‌های استراحت با تعطیلات، به کارهای جانبی روی آورند. این وضعیت اگرچه در کوتاه‌مدت معیشت را تأمین می‌کند، اما در بلندمدت منجر به فرسودگی جسمی سریع، کاهش بهره‌وری در شغل اصلی و افزایش احتمال حوادث ناشی از کار به دلیل خستگی مفرط می‌شود.

**ضرورت بازنگری در ساختار دستمزدها**

وضعیت جاری نشان می‌دهد که تصمیمات پراکنده در شورا‌های مربوط به دستمزد، تا زمانی که به‌طور کامل با واقعیت‌های تورمی و سبد هزینه زندگی همسو نشود، اثر بخشی محدودی خواهد داشت. بحران معیشتی امروز، دیگر تنها یک مسئله رفاهی ساده نیست، بلکه یک چالش مدیریتی-صنعتی است. برای جلوگیری از تخریب تدریجی نیروی متخصص و توقف ریزش نیرو‌ها، بازنگری فوری در ساختار دستمزدها و ایجاد سازوکارهای حمایتی پایدار، تنها راه خروج از این بن‌بست است تا عدالت در اشتغال، جایگزین پایاداری شغلی شود.









## گرما فروکش کرد، اما قطعی برق نه

✚ با وجود آسیب‌های واردا شده به شبکه برق در حملات آمریکایی- صهیونی، خاموشی‌ها در شه‌ریو همچنان ادامه دارد؛ حالا وعده پایان قطعی‌ها تا نیمه این ماه، به آژمونی جدی برای وزارت نیرو تبدیل شده است. تابستان امسال برای صنعت برق فقط یک تابستان گرم و پرمصرف نبود. شبکه برق کشور هم‌زمان با رشد مصرف و افزایش فشار ناشی از گرما، آثار آسیب‌های واردا شده به زیرساخت‌های انرژی در جریان جنگ با دشمن آمریکایی- صهیونی را نیز تحمل کرد؛ به‌طوری که مقام‌های وزارت نیرو از آسیب به بخشی از ظرفیت نیروگاهی و خطوط انتقال برق خبر داده‌اند. با این حال، تلاش شبانه‌روزی نیروهای صنعت برق باعث شد شبکه از یک سناریوی گسترده و خارج از کنترل خاموشی عبور کند. اکنون با ورود به شه‌ریو، مسئله برای مردم یک گام جلوتر رفته است؛ خاموشی‌ها دقیقاً چه زمانی کاهش می‌یابد، قطعی‌های طولانی‌تر از زمان اعلام‌شده چارخ می‌دهد و وعده پایان خاموشی‌ها تا نیمه شه‌ریو چقدر به تحقق نزدیک شده است؟

**شه‌ریو رسید؛ اما خاموشی هنوز تمام نشده است**

ورود به شه‌ریو به‌طور طبیعی باید با کاهش تدریجی فشار بر شبکه برق همراه باشد، اما انتشار برنامه‌های مدیریت بار در روزهای ابتدایی این ماه نشان می‌دهد شبکه هنوز برای حفظ تعادل میان تولید و مصرف به مدیریت بار نیاز دارد. در سوم شه‌ریو، برای برخی استان‌ها جمله کرمانشاه و مناطق دیگری از کشور برنامه‌های خاموشی یا مدیریت بار منتشر شده است. استمرار این برنامه‌ها به این معنا نیست که تمام مناطق اعلام‌شده الزاماً با خاموشی مواجه می‌شوند؛ چراکه اجرای برنامه‌های مدیریت بار به شرایط لحظه‌ای شبکه، میزان مصرف و وضعیت تولید وابسته است و هم‌کن است تغییر کند. با این حال، همین استمرار یک پیام روشن دارد: با پایان مرداد، مسئله خاموشی به‌طور کامل پایان نیافته است. این موضوع در شرایطی اهمیت بیشتری دارد که صنعت برق در ماه‌های گذشته با فشارهای فراتر از یک تابستان عادی روبه‌رو بوده است. مصطفی رحبی مهدی، معاون برق و انرژی وزیر نیرو، پیش‌تر اعلام کرده بود که در جریان جنگ رمضان بیش از ۷ هزار مگاوات از ظرفیت نیروگاهی کشور آسیب‌دیده و حدود ۴۵۰ مگاوات از این ظرفیت با آسیب جدی مواجه شده است؛ بخشی از این ظرفیت نیز با اقدامات تعمیراتی به مدار بازگشته است. در بخش انتقال نیز عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، اعلام کرده بود که در جریان حملات اخیر چهار خط انتقال ۴۰۰ کیلوولت و دو خط انتقال ۲۳۰ کیلوولت آسیب‌دیده‌اند و نیروهای صنعت برق برای بازسازی آنها وارد عمل شده‌اند. بنابراین آنچه شبکه برق در تابستان امسال تجربه کرد، صرفاً نتیجه افزایش مصرف ناشی از گرما نبود؛ اما اکنون که مرحله اولیه بحران پشت سر گذاشته شده، مطالبه عمومی نیز باید از «عبور از بحران» به «بازگشت پایدار برق» تغییر کند.

**وعده پایان خاموشی‌ها؛ نیمه شه‌ریو نزدیک است**

وزارت نیرو پیش‌تر نیمه شه‌ریو را به عنوان نقطه مهمی برای پایان یا رفع مشکل خاموشی‌ها اعلام کرده بود. عباس علی‌آبادی در اظهاراتی بر رفع مشکل خاموشی‌ها تا نیمه شه‌ریو تاکید کرده است.

اکنون سوم شه‌ریو هنوز فاصله‌ای تا این موعد باقی مانده است؛ بنابراین نمی‌توان از هم‌اکنون درباره تحقق یا عدم تحقق این وعده قضاوت نهایی کرد. اما ادامه مدیریت بار در روزهای ابتدایی شه‌ریو باعث شده روزهای پیش‌رو به یک دوره مهم برای سنجش عملکرد شبکه تبدیل شود. اگر با کاهش دما و مدیریت مصرف، خاموشی‌های خانگی در روزهای آینده کاهش محسوسی پیدا کند، وعده وزارت نیرو به نتیجه نزدیک شده است. اما اگر جدول‌های خاموشی همچنان گسترده‌یابی بماند، قطعی‌های خارج از برنامه تکرار شود یا زمان خاموشی‌ها افزایش پیدا کند، ضرورت ارائه توضیح دقیق‌تر درباره وضعیت شبکه بیشتر خواهد شد. به بیان ساده‌تر، نیمه شه‌ریو دیگر فقط یک وعده زمانی نیست؛ به یک نقطه سنجش برای افکار عمومی تبدیل شده است.

**دو ساعت خاموشی؛ اگر بیشتر شد، علت چیست؟**

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مشترک تا به هفته‌های اخیر، تفاوت میان زمان اعلام‌شده خاموشی و زمان واقعی بازگشت برق است.

وزیر نیرو پیش‌تر تاکید کرده بود که خاموشی برنامه‌ریزی‌شده نباید بیش از دو ساعت باشد و در صورت طولانی‌تر شدن قطعی، احتمال بروز مشکل فنی وجود دارد و مشترکان می‌توانند موضوع را از مسیرهای اعلام‌شده شرکت‌های توزیع برق پیگیری کنند. این تکلیک اهمیت زیادی دارد؛ زیرا خاموشی ناشی از مدیریت بار با قطعی بر اثر حادثه فنی، خرابی تجهیزات یا تعمیرات اضطراری یکسان نیست. اگر اقرار است برق یک منطقه برای دو ساعت قطع شود اما بازگشت برق به دلیل حادثه فنی به تاخیر بیفتد، مردم باید بدانند چه اتفاقی رخ داده است. در غیر این صورت، تمام قطعی‌ها از نگاه مشترک یکسان دیده می‌شود و تفاوت میان مدیریت بار و حادثه فنی برای افکار عمومی از بین می‌رود. از همین جا یک مطالبه مشخص شکل می‌گیرد که آمار خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده و فنی باید از یکدیگر تکلیک شود.

انتشار روزانه یا هفتگی اطلاعاتی درباره تعداد خاموشی‌ها، مجموع ساعات قطعی، تعداد مشترکان تحت تأثیر و سهم حوادث فنی می‌تواند تصویر واقعی‌تری از وضعیت شبکه ارائه کند.

**کدام استان‌ها بیشتر تحت فشارند؟**

انتشار برنامه‌های خاموشی در استان‌های مختلف نشان می‌دهد مسئله مدیریت بار محدود به یک منطقه خاص نیست. در روزهای اخیر برای استان‌هایی مانند کرمانشاه و آذربایجان غربی نیز برنامه‌های قطعی منتشر شده و در استان‌های دیگر نیز اطلاعیه‌های مدیریت مصرف و خاموشی در مقاطع مختلف منتشر شده است. با این حال، از روی تعداد اطلاعیه‌ها نمی‌توان گفت کدام استان بیشترین خاموشی را دارد. برای چنین مقایسه‌ای باید دست‌کم چهار شاخص در دسترس باشد: مجموع ساعات قطعی، تعداد دفعات خاموشی، تعداد مشترکان متأثر و تکلیک خاموشی برنامه‌ریزی‌شده از فنی. خود چنین داده‌ای باعث می‌شود تصویر دقیق‌تری از توزیع فشار شبکه در استان‌های مختلف وجود نداشته باشد. یک داشبورد رسمی و به‌روز که نشان دهد هر استان در یک شبانه‌روز یا یک هفته چه میزان خاموشی داشته است، می‌تواند بخشی از این خلا اطلاعاتی را جبران کند. موضوع در استان‌های جنوبی حساس‌تر است. خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان در شرایطی با فشار شبکه مواجه‌اند که گرمای شدید، استفاده از وسایل سرمایشی را از یک انتخاب به ضرورتی برای زندگی روزمره تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی، خاموشی دو ساعته در یک شه‌ر کم‌سیر را نمی‌توان از نظر اجتماعی و رفاهی با خاموشی مشابه در یک منطقه خنک‌تر مقایسه کرد. قطع برق در این مناطق مستقیماً بر امکان استفاده از کولر و سایر تجهیزات سرمایشی اثر می‌گذارد و می‌تواند فشار مضاعفی بر خانوارها، کسب‌وکارها و مراکز خدماتی وارد کند. از سوی دیگر، همین مناطق در جریان حملات اخیر نیز با آسیب‌هایی به زیرساخت‌های انرژی مواجه بودند.

■ پنجشنبه ۵ شه‌ریو ۱۴۰۵

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ ۱۴ ربیع الاول ۱۴۴۸ ■ August ۲۷ ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۴۰

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



## دلار ۲۰۰ هزار تومانی؛

# اگر جوسازی است، چرا بازار باور نمی‌کند؟

## گزارش

✚ دلار از مرز تاریخی ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده و حالا سؤال اصلی دیگر فقط قیمت فرادی ارز نیست؛ بلکه این است که بانک مرکزی

و عبدالناصر همتی دقیقاً چه توضیحی برای این جهش دارند و چرا سیاست‌های ارزی نتوانسته اعتماد بازار را حفظ کنند؟

به گزارش خبرگزاری دانشجو، بازار ارز سرانجام از مرزی عبور کرده که تا همین چند وقت قبل برای بسیاری از فعالان اقتصادی بیشتر شبیه یک سناریوی هشدارآمیز بود تا یک قیمت قابل معامله. دلار از ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده و رکورد تاریخی تازه‌ای را ثبت کرده است؛ اتفاقی که اهمیت آن فقط در یک عدد خلاصه نمی‌شود و باید دیگر مسئله ارزش ریال و انتظارات تورمی را به مرکز توجه آورده است.

اهمیت ماجرا فقط در عدد ۲۰۰ هزار تومان نیست. مسئله مهم‌تر این است که این جهش در شرایطی رخ داده که بانک مرکزی طی ماه‌های گذشته بارها از تأمین ارز، سیاست‌گذاری پولی و مدیریت بازار سخن گفته است. عبدالناصر همتی نیز در واکنش به افزایش قیمت دلار تاکید کرده که بانک مرکزی در حال تأمین ارز است و از مردم خواسته به جوسازی‌های بازار توجه نکنند. در روایت دیگری از اظهارات او نیز افزایش قیمت ارز به فضای روانی و تبلیغاتی نسبت داده شده است.

اما همین جا یک سؤال جدی شکل می‌گیرد: اگر عامل اصلی این جهش صرفاً جوسازی است، چرا این جوسازی نتوانسته قیمت دلار را تا چنین سطحی بالا ببرد؟

**دلار ۲۰۰ هزار تومان فقط یک عدد نیست**

رسیدن دلار به ۲۰۰ هزار تومان را نمی‌توان صرفاً یک رکورد دیگر در جدول قیمت از دانست. بازار ارز در اقتصاد ایران به دلیل اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر قیمت کالاها، مواد اولیه، واردات، خودرو، مسکن، طلا، خدمات و حتی انتظارات تورمی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش اعتماد اقتصادی است. برای درک سرعت حرکت بازار، کافی است به روند مردادماه نگاه کنیم: دلار آزاد در ۲۴ مرداد در محدوده ۱۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان معامله می‌شد؛ یعنی بار طاری فاصله‌ای کوتاه به مرز ۲۰۰ هزار تومان نزدیک شد. این حرکت در ادامه روندی شکل گرفت که پیش‌تر نیز نشانه‌های آن دیده شده بود. بررسی روند بازار در تیرماه نشان می‌دهد دلار آزاد از محدوده ۱۶۰ هزار تومان در ابتدای ماه به حدود ۱۹۱ هزار و ۶۷۰ تومان در پایان تیر رسید و بازدهی ماهانه آن به حدود ۱۹.۶۷ درصد رسید؛ رشدی که هم‌زمان با افزایش تقاضا و تغییر انتظارات تورمی گزارش شد. بنابراین سؤال فقط این نیست که دلار امروز ۲۰۰ هزار تومان شده؛ سؤال مهم‌تر این است که چه مجموعه‌ای از عوامل باعث شد بازار در چند مرحله از کانال‌های ۱۷۰، ۱۸۰ و ۱۹۰ هزار تومان عبور کند؟

**پاسخ همتی: تأمین ارز داریم، اما جهش قیمت چرا متوقف شد؟**

عبدالناصر همتی در واکنش به افزایش نرخ دلار گفته است که بانک مرکزی در حال تأمین ارز است و از مردم خواسته به جوسازی‌ها توجه نکنند. او همچنین در توضیح دیگری افزایش قیمت ارز را متأثر از فضای روانی و تبلیغاتی دانسته است.

این موضع از منظر سیاست‌گذاری قابل فهم است. بانک مرکزی نمی‌تواند هر حرکت قیمتی در بازار آزاد را به عنوان تغییر بنیادی در اقتصاد بپذیرد و با هر نوسان، سیاست خود را تغییر دهد. اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که بازار برای مدت طولانی خلاف روایت سیاست‌گذار حرکت می‌کند. اگر تأمین ارز به اندازه کافی انجام می‌شود، چرا اثر

آن در قیمت بازار آزاد دیده نمی‌شود؟

اگر سیاست پولی در حال اعمال است، چرا ارزش ریال همچنان تحت فشار قرار دارد؟

و اگر بخش مهمی از رشد قیمت ناشی از فضای روانی و تبلیغاتی است، چرا ابزارهای بانک مرکزی برای خنثی کردن این فضای روانی نتیجه کافی نداده است؟ وقتی همان مطالبه‌ای است که باید از این پرسش‌ها اتهام نیست؛ دقیقاً همان مطالبه‌ای است که باید از سیاست‌گذار پولی مطرح شود. وقتی بانک مرکزی مسئول سیاست پولی و مدیریت بازار ارز است، عبور دلار از مرز ۲۰۰ هزار تومان باید با توضیحی فراتر از جوسازی همراه باشد؛ زیرا بازار به توصیه و وعده توجه نمی‌کند و در نهایت به عدد واکنش نشان می‌دهد.

**اگر مشکل روانی است، ریشه این ترس چیست؟**

یکی از مهم‌ترین روایت‌های مطرح شده درباره افزایش نرخ دلار، نقش انتظارات و فضای روانی است. این عامل در اقتصاد ایران واقعاً اهمیت دارد. در شرایط نااطمینانی سیاسی، تحریمی و اقتصادی، فعالان اقتصادی ممکن است برای حفظ ارزش پولی خود به سمت دلار، طلا و سایر دارایی‌های پوشش دهنده ریسک حرکت کنند. اما انتظارات معمولاً هیچ به وجود نمی‌آیند. فعال اقتصادی وقتی نسبت به آینده نگران می‌شود، مجموعه‌ای از علامت‌ها را کنار هم می‌گذارد. وضعیت درآمد‌های ارزی، تحریم‌ها، تجارت خارجی، کسری بودجه، تورم، نقدینگی، نرخ سود، سیاست‌های ارزی، اخبار سیاسی و حتی اظهارنظر مقامات، همگی در شکل‌گیری این انتظار نقش دارند. بنابراین اگر بانک مرکزی رشد دلار را عمدتاً روانی می‌داند، یک مطالبه روشن وجود دارد: بانک مرکزی باید توضیح دهد دقیقاً کدام بخش از این افزایش روانی است و کدام بخش به عوامل بنیادی اقتصاد مربوط می‌شود.

این تکلیک اهمیت زیادی دارد. اگر مشکل کمبود واقعی ارز باشد، سیاست مورد نیاز با زمانی که مسئله اصلی انتظارات است تفاوت دارد. اگر مشکل بازگشت ارز صادراتی باشد، باید درباره میزان ارز بازگشته و ابزارهای بازگرداندن آن توضیح داده شود. اگر کسری بودجه و رشد نقدینگی عامل اصلی باشند، باید درباره سیاست پولی و مالی صحبت شود. و اگر عامل اصلی نااطمینانی سیاسی باشد، نمی‌توان تمام مسئولیت را به گردن معامله‌گران بازار آزاد انداخت.

**شکاف نرخ رسمی و آزاد؛ زخمی که دوباره باز شده است**

یکی از نقاطی که در ماجرای دلار ۲۰۰ هزار تومانی باید جدی گرفته شود، شکاف میان نرخ‌های مختلف از است. برای نمونه، نرخ دلار توافقی در ۱۲ مرداد حدود ۱۵۳ هزار و ۶۱۶ تومان اعلام شده بود. در حالی که دلار آزاد در همان مقطع در حوالی کانال ۱۹۰ هزار تومان قرار داشت.

این فاصله به این معنا نیست که نرخ رسمی الزاماً غیر واقعی و نرخ آزاد الزاماً واقعی است؛ هر کدام در سازوکار متفاوتی شکل می‌گیرند. اما بزرگ شدن فاصله میان آنها یک علامت مهم برای سیاست‌گذار است: بخشی از فعالان اقتصادی همچنان قیمت بازار آزاد را تصمیم‌گیری درباره ارزش آینده ریال جدی می‌گیرند. این مسئله باید برای بانک مرکزی جدی باشد. زیرا نرخ ارز فقط در صرافی‌ها و برای تعیین نرخ نمی‌شود. وقتی یک واردکننده، تولیدکننده، صادرکننده یا سرمایه‌گذار درباره آینده تصمیم می‌گیرد، بیش از آنکه به نرخ امروز نگاه کند، به نرخ مورد انتظار فردا نگاه می‌کند.

**هشدار کارشناسان از کجا آمده بود؟**

نگرانی درباره رشد شدید نرخ ارز موضوع تازه‌ای نیست. حسین مصما‌ی، نماینده مجلس، در تیرماه درباره سیاست یکسان‌سازی

نرخ ارز هشدار داده بود و گفته بود اگر نرخ رسمی به ۱۷۰ هزار تومان برسد، ممکن است صادرکننده غیررسمی یا قاچاقچی برای تأمین ارز نرخ بالاتری پیشنهاد دهد و حتی رقم ۲۰۰ هزار تومان را مطرح کند. حسن نظر از اینکه با تمام تحلیل مصما‌ی موافق باشیم یا نه، اهمیت این اظهارنظر در آن است که بخشی از نگرانی‌های بازار درباره شکاف نرخ‌ها و سازوکار عرضه ارز، بیش از رسیدن دلار به کانال ۲۰۰ هزار تومان مطرح شده بود.

از سوی دیگر، حسین راغفر نیز پیش‌تر افزایش قیمت ارز را یکی از محرک‌های اصلی تورم دانسته و تاکید کرده بود که مسئله بازار ارز را نمی‌توان صرفاً به رفتار بانک مرکزی یا نوسان‌گیری معامله‌گران تقلیل داد.

در مقابل، باید توجه داشت که همه تحلیل‌ها الزاماً جهش ارز را تنها به عوامل بنیادی نسبت نمی‌دهند. برخی تحلیل‌های بازار در هفته‌های گذشته نیز ترسش هم‌زمان انتظارات تورمی، تقاضای احتیاطی و اخبار سیاسی تاکید کرده‌اند؛ یعنی بخشی از فشار موجود می‌تواند ناشی از انتظاراتی باشد که با یک خمر مثبت یا افزایش عرضه، در کوتاه‌مدت تغییر کند.

این نگاه مکمل مهم است؛ زیرا نمی‌توان افزایش قیمت را به‌تنهایی نشانه شکست سیاست پولی دانست. اما در عین حال، وقتی یک روند صعودی در چند ماه و چند کانال قیمتی تکرار می‌شود، نسبت دادن کل حرکت به هیجان نیز نیا‌زمند خواهد بیشتری است.

**دلار ۲۰۰ هزار تومانی محصول یک شب نیست**

یکی از خطرناک‌ترین برداشت‌ها از جهش اخیر این است که تصور کنیم دلار یک‌شبه از یک قیمت منطقه به ۲۰۰ هزار تومان رسیده است. رشد‌های بزرگ ارزی معمولاً نتیجه انباشته شدن چند عامل هستند. تورم بالا، رشد نقدینگی، کاهش قدرت خرید پول ملی، نااطمینانی سیاسی، محدودیت دسترسی به منابع ارزی، انتظارات تورمی و تقاضای احتیاطی می‌توانند در یک نقطه به هم برسند و یک حرکت سریع ایجاد کنند.

به همین دلیل، تمرکز صرف بر آخرین معامله دلار ممکن است اصل ماجرا را پنهان کند. مسئله مهم‌تر این است که چرا زمینه چنین جهشی ایجاد شد و چرا بازار پس از عبور از کانال‌های مختلف، نتوانست به یک سقف پایدار برسد.

حتی مهم‌تر از آن، باید پرسید آیا بانک مرکزی سناریوی دلار بالای ۲۰۰ هزار تومان را از پیش در مدل‌های سیاست‌گذاری خود پیش‌بینی کرده بود یا خیر؟

**مطالبه اصلی از بانک مرکزی: عدد بدهید، نه فقط وعده**

اکنون یکی از مهم‌ترین نیازهای بازار، شفافیت است. وقتی رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید مشکل تأمین ارز وجود ندارد، بازار حق دارد پرسد میزان عرضه روزانه از جقدر است، چه میزان ارز برای واردات اختصاص داده می‌شود، چه میزان از صادراتی به چرخه اقتصادی برمی‌گردد و منابع قابل دسترسی بانک مرکزی به اندازه است.

همچنین باید روشن شود چه سهمی از افزایش نرخ دلار ناشی از تقاضای واقعی و چه سهمی ناشی از تقاضای احتیاطی و سفته‌بازی است و بانک مرکزی برای کاهش فاصله نرخ بازار آزاد و نرخ‌های

رسمی چه برنامه‌ای دارد. این‌ها سؤالات افکار عمومی است، نه صرفاً فعالان بازار ارز.

زیرا دلار ۲۰۰ هزار تومانی فقط بر کسسانی که دلار خرید و فروش می‌کنند اثر نمی‌گذارد؛ افزایش نرخ ارز می‌تواند هزینه واردات را بالا ببرد، قیمت مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را افزایش دهد، انتظارات تورمی را تحریک کند و در نهایت به کاهش بیشتر قدرت خرید خانوارها منجر شود. به همین دلیل، پاسخ بانک مرکزی نباید صرفاً به کنترل معاملات بازار آزاد محدود بماند؛ بلکه باید مشخص کند چگونه می‌خواهد از انتقال این افزایش نرخ به قیمت کالاها و خدمات جلوگیری کند و مانع شکل‌گیری موج تازه‌ای از تورم شود.

**آیا بانک مرکزی هنوز می‌تواند بازار را غافلگیر کند؟**

عبور دلار از ۲۰۰ هزار تومان یک آزمون جدی برای بانک مرکزی است. اگر بانک مرکزی بتواند با ابزارهای پولی و ارزی، نرخ را به شکل پایدار پایین‌بیاورد و فاصله نرخ رسمی و آزاد را کاهش دهد، می‌تواند نشان دهد که بخش مهمی از جهش اخیر واقعاً ناشی از هیجان و انتظارات بوده است.

اما اگر بازار پس از یک عقب‌نشینی کوتاه دوباره به مسیر صعودی بازگردد، پرسش سخت‌تری شکل خواهد گرفت. آن زمان دیگر نمی‌توان همه چیز را به جوسازی نسبت داد.

بازار ممکن است اشتباه کند، اما وقتی یک روند قیمتی برای مدت طولانی ادامه پیدا می‌کند، سیاست‌گذار باید توضیح دهد کدام بخش از این روند را اشتباه می‌داند و چرا.

در چنین شرایطی حتی یک کاهش موقت دلار نیز به‌تنهایی کافی نیست؛ آنچه اهمیت دارد، توانایی ایجاد ثبات پایدار است.

**مسئله فقط دلار نیست؛ مسئله اعتماد به ریال است**

شاید مهم‌ترین پیام دلار ۲۰۰ هزار تومانی در خود عدد دلار نباشد، بلکه در کاهش اعتماد به ریال باشد. وقتی خانوار احساس می‌کند ارزش پولی که امروز در اختیار دارد ممکن است چند ماه دیگر بخش قابل توجهی از قدرت خرید خود را از دست بدهد، طبیعی است که به دنبال دارایی جایگزین برود. این رفتار می‌تواند تقاضای برای ارز و طلا را افزایش دهد و چرخه‌ای معیوب ایجاد کند؛ چرخه‌ای که در آن مردم فقط دلار نمی‌خرند، بلکه در حال خرید اطمینان هستند.

بنابراین سیاست‌گذار نمی‌تواند صرفاً با تزریق ارز یا برخورد با معامله‌گران، این مسئله را برای همیشه حل کند. ثبات ارزی بدون ثبات تورمی، ثبات مالی و کاهش نااطمینانی اقتصادی دوام چندانی نخواهد داشت.

**حالا نوبت پاسخ بانک مرکزی است**

دلار ۲۰۰ هزار تومانی یک سؤال مشخص را روی میز بانک مرکزی گذاشته است: چه چیزی باعث شد ارزش ریال تا این نقطه کاهش پیدا کند و چرا سیاست‌های ارزی نتوانستند جلوی این جهش را بگیرند؟ همتی گفته است که تأمین ارز در جریان است و مردم نباید به جوسازی‌ها توجه کنند. اما افکار عمومی به توضیح دقیق‌تری نیاز دارد.

**اگر تأمین ارز کافی است، میزان عرضه و اثر آن بر بازار چیست؟**

اگر عامل اصلی انتظارات است، منشأ این انتظارات چیست؟ اگر مشکل تحریم و محدودیت منابع است، اندازه واقعی این محدودیت چقدر است؟

و اگر مشکل کسری بودجه و نقدینگی است، برنامه بانک مرکزی برای مهار آن چیست؟

همچنین اگر نرخ ۲۰۰ هزار تومان از نظر سیاست‌گذار با ارزش واقعی اقتصاد فاصله دارد، ابزار بانک مرکزی برای بازگرداندن اعتماد بازار چیست؟

دلار ۲۰۰ هزار تومانی در نهایت فقط یک رکورد قیمتی نیست؛ این عدد یک صورت‌مسئله بزرگ برای سیاست‌گذار پولی است؛ صورت‌مسئله‌ای که نمی‌توان با توصیه به بی‌توجهی یا نسبت دادن همه چیز به جوسازی از کنار آن عبور کرد.

اکنون بازار منتظر یک واکنش کوتاه‌مدت و هیجانی نیست. آنچه فعال اقتصادی و خانوار ایرانی می‌خواهد، توضیحی روشن درباره علت جهش، برنامه‌ای مشخص برای کنترل آن و مهم‌تر از همه، نشانه‌ای قابل اندازه‌گیری از بازگشت ثبات به بازار ارز است.

اگر واقعاً آنچه در بازار می‌بینیم جوسازی است، بانک مرکزی باید بتواند با عدد و عملکرد این جوسازی را خنثی کند؛ اما اگر پشت دلار ۲۰۰ هزار تومانی مجموعه‌ای از مشکلات بنیادی اقتصاد ایران قرار دارد، دیگری نمی‌توان صورت‌مسئله را با عنوان «جوسازی پاک کرد». دلار از ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده است؛ حالا نوبت سیاست‌گذار است که نه‌با وعده، بلکه با توضیح روشن، برنامه مشخص و نتیجه قابل سنجش پاسخ دهد که چرا ارزش پول ملی تا این نقطه کاهش یافته است.

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

## ”

مرغ‌ها را خریداری کرده و پس از طی قرآیندی، دوباره به مجموعه پشتیبانی امور دام بازمی‌گردانند. این اقدام خیانت، جفا و ظلم به مردم است.

عسکری ادامه داد: مردم هنگام خرید مرغ ممکن است محصول را برای مصرف در روزهای آینده در فریزر منزل نگهداری کنند، در حالی که ممکن است از نزدیک بودن تاریخ انقضای محصول اطلاع نداشته باشند و این مسئله می‌تواند مشکلات را دوچندان کند.

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس با طرح این پرسش گفت: چرا اجازه داده شد موضوع به این مرحله برسد، گفت: سؤال دوم ما این است که چرا اجازه انجام آزمایش و تست باکتری سالمونلا داده نشد؟ اسناد و مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد اجازه انجام این آزمایش را ندادند. وی افزود: آیا مسئولان به سلامت مردم و احتمال آتانی‌ها در بیماری فکر کردند؟ آیا احتمال ندادند محصولی که آزمایش‌های لازم از جمله تست سالمونلا را طی نکرده، ممکن است بر سر سفره مردم و حتی خانواده مسئولان قرار بگیرد؟ همه‌ها در برابر مردم و جامعه مسئول هستیم.



پیش‌رفت که در برخی استان‌ها، از جمله استان فارس، بیش از دوهزار تن از این مرغ‌ها تنها ۲۴ تا ۲۸ ساعت پیش از انقضای تاریخ مصرف برای توزیع اعلام شد. وی با بیان اینکه این مسئله جای سؤال جدی دارد، افزود: مستنداتی نیز در اختیار داریم که نشان می‌دهد برخی افراد خارج از مجموعه پشتیبانی امور دام، این

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس اظهار کرد: بر اساس پیگیری‌های انجام‌شده، حدود ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن مرغ منجمد از سه ماه قبل از تاریخ انقضا در اختیار دستگاه‌های مسئول بود و فرصت کافی برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی وجود داشت، اما به دلیل سهل‌انگاری، بی‌توجهی بی‌دقتی، شرایط به‌گونه‌ای

مورد درباره این موضوع مکاتبه و پیگیری شده بود که چرا اجازه داده‌اند محصولات به مرحله انقضای تاریخ مصرف برسند و سپس به فکر تعیین تکلیف آن‌ها بیفتند.

وی تاکید کرد: برای تعیین تکلیف این محصولات، راهکارهای مختلفی وجود داشت؛ می‌توانستند مرغ‌های منجمد را پیش از رسیدن به تاریخ انقضا جابه‌جا کنند، در شرایط جنگی زمینه توزیع آن‌ها را در میان محرومان، مستمندان و افراد کم‌بضاعت فراهم کنند یا پیش از انقضای تاریخ مصرف، این محصولات را در اختیار صنایع تبدیلی و بخش صنعت قرار دهند. عسکری با انتقاد از صدور دستور برای توزیع فوری این محصولات در آستانه انقضای تاریخ مصرف، تصریح کرد: چرا باید اجازه داده شود محصولات به این مرحله برسند و سپس اعلام شود که هرچه سریع‌تر نسبت به توزیع آن‌ها اقدام کنید؟ در بسیاری از موارد نیز هنگامی که موضوع را پیگیری می‌کنیم، جنگ را بهانه قرار می‌دهند، در حالی که این توجیه تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست.

✚ رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس با انتقاد از توزیع مرغ‌های منجمد نزدیک به تاریخ انقضا و فشارهای واردا شده برای تمدید تاریخ مصرف برخی محصولات، گفت: مستندات موجود از وقوع تخلف حکایت دارد و وزارت جهاد کشاورزی، سازمان دامپزشکی کشور و شرکت پشتیبانی امور دام باید درباره این موضوع پاسخگو باشند.

محمدجواد عسکری رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی گفت: آنچه اتفاق افتاد، قطعاً ناشی از سوءمدیریت، بی‌تدبیری و نبود برنامه‌ریزی برای تأمین به‌موقع محصولات پروتئینی، به‌ویژه پروتئین سفید و مرغ، از اختیار مصرف‌کنندگان بود. کشور ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خوبی در این حوزه دارد و جنگ نباید بهانه‌ای برای ندانم‌گاری، ناکارآمدی و ناتوانی باشد. رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس ادامه داد: اخیراً شاهد توزیع مرغ‌های تاریخ مصرف گذشته در کشور بودیم و بر اساس مستندات موجود، نزدیک به ۲۲